

# بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ





اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِرَحْمَتِكَ الَّتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ

خدایا انرا تو در خواست می کنم، به رحمت که همه چیز را فرا گرفته



وَبِقُوَّتِكَ الَّتِي فَهَرَّتْ بِهَا كُلُّ شَيْءٍ وَخَضَعَ لَهَا كُلُّ

شَيْءٍ وَذَلَّ لَهَا كُلُّ شَيْءٍ

و به نیرویت که با آن بر هرچیز پیره گشتی و در برابر آن هرچیز فروتنی نموده

و همه چیز خوار شده



وَجَبْرُوتِكَ الَّتِي غَلَبْتَ بِهَا كُلَّ شَيْءٍ وَبِعِزَّتِكَ الَّتِي

لَا يَقُومُ لَهَا شَيْءٌ

و به جبروتت که با آن بر همه چیزها فائق آمدی و به عزتت که چیزی در برابرش

تاب نیاورد



وَبِعَظَمَتِكَ الَّتِي مَلَأْتَ كُلَّ شَيْءٍ وَبِسُلْطَانِكَ الَّتِي

عَلَا كُلَّ شَيْءٍ

و به بزرگسای که همه چیز را پر کرده و به پادشاهسای که برتر از همه چیز

قرار گرفته



وَيُوجِبُكَ الْبَاقِيَ بَعْدَ فَنَاءِ كُلِّ شَيْءٍ وَبِأَسْمَائِكَ

الَّتِي مَلَأْتَ أَرْكَانَ كُلِّ شَيْءٍ

و به جلوه‌ات که پس از نابودی همه چیز باقی است و به نام‌هایت که پایه‌های

همه چیز را انباشته







یا نور یا قدوس یا اولّ الأوثین و یا آخرین  
الآخرین

اسی نور، اسی پاک از هر عیب، اسی آغاز هر آغاز، و اسی پایان هر پایان







اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تَنْزِلُ النَّعْمَ

خدایا! بیامرز برای من آن گناهانی را که کیفرها را فرو می‌بارند



اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُغَيِّرُ النِّعَمَ

خدایا! پیامرز برایم گناھانی را که نعمتها را دگرگون می‌سازند



اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تَحْبِسُ الدُّعَاءَ

خدایا! بیامرز برایم آن گناهانی را که دعا را باز می‌دارند







اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي كُلَّ ذَنْبٍ أَذْنَبْتَهُ وَكُلَّ خَطِيئَةٍ

أَخْطَأْتُهَا

خدایا! پیامرز برایم همه گناہانی را کہ مرتکب شدم، و تمام خطاهاپی که

به آنها آلوده گشتم.



اللَّهُمَّ إِنِّي أَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ بِذِكْرِكَ وَاسْتَشْفِعُ بِكَ إِلَيَّ

نَفْسِكَ

خدایا! با یاد تو به سویت نزدیکی می‌جویم، و از ناخشنودی تو به درگاه خودت

شفاعت می‌طلبم



وَاسْأَلْكَ بِجُودِكَ أَنْ تُدْنِيَنِي مِنْ قُرْبِكَ وَأَنْ

تُوزِعَنِي شُكْرَكَ وَأَنْ تُلْهِمَنِي ذِكْرَكَ

و از تو خواستارم به جودت مرا به بارگاه قرب خویش نزدیک گردانی و سپاس

خود را نصیب من کنی، و یادت را به من الهام نمایی



اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ سُؤَالَ خَاضِعٍ مُتَذَلِّلٍ خَاشِعٍ أَنْ تُسَامِحَنِي

وَتَرْحَمَنِي وَتَجْعَلَنِي بِقَسْمِكَ رَاضِيًا قَانِعًا وَفِي جَمِيعِ

الْأَحْوَالِ مُتَوَاضِعًا

خدایا! از تو درخواست می‌کنم، درخواست بنده‌ای فروتن، خوار و افتاده، که با من مدارا  
نمایی و به من رحم کنی و به آنچه روزی‌ام نموده‌ای بخشود و قانع بداری و در تمام حالات در  
عرصه تواضعم بگذاری.



اللَّهُمَّ وَاسْأَلُكَ سُؤَالَ مَنْ اشْتَدَّتْ فَاقَتُهُ وَانزَلَ بِكَ

عِنْدَ الشَّدَائِدِ حَاجَتَهُ وَعَظُمَ فِيْمَا عِنْدَكَ رَغْبَتَهُ

خدایا! از تو درخواست می‌کنم درخواست کسی که سخت تهییدست شده و بار

نیازش را به هنگام گرفتاریها به آستان تو فرود آورده و میلش به آنچه نزد

توست فزونی یافته



اللَّهُمَّ عَظْمَ سُلْطَانِكَ وَ عَلا مَكَانِكَ وَ خَفِي مَكْرِكَ وَ

ظَهَرَ أَمْرِكَ وَ غَلَبَ قَهْرِكَ وَ جَرَتْ قُدْرَتُكَ وَ لا

يُمْكِنُ الْفِرَارُ مِنْ حُكُومَتِكَ

خدایا! فرمانروایی بس بزرگ و مقامت والا و تدبیرت پنهان، و فرمانت آشکار، و

قهرت چیره، و قدرتت نافذ، و گریز از حکومتت ممکن نیست.



اللَّهُمَّ لَا أَحَدٌ لِذُنُوبِي غَافِرٌ وَلَا لِقَبَائِحِي سَاتِرٌ وَلَا

شَيْءٌ مِنْ عَمَلِي الْقَبِيحِ بِالْحَسَنِ مَبْدِلٌ غَيْرَكَ

خدایا! آمرزنده‌ای برای گناهانم و پرده‌پوشی برای زشتکارهایم و تبدیل

کننده‌ای برای کار زشتم به زیبایی



لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ وَبِحَمْدِكَ ظَلَمْتُ نَفْسِي وَ

تَجَرَّاتُ بِيْجَهْلِيْ وَ سَكَنْتُ اِلَى قَدِيْمٍ ذِكْرِكَ لِيْ وَ مِنْكَ عَلَيَّ

جز تو نمی‌یابم معبودی جز تو نیست، پاک و منزهی و به ستایشت برخاسته‌ام،

به خود ستم کردم

و از روی نادانی جرأت نمودم و به یاد دیرینه‌ات از من و بخششت بر من به آرامش نشستم



اللَّهُمَّ مَوْلَايَ كَمَا مِنْ قَبِيحِ سِرَّتِهِ وَكَمَا مِنْ فَادِحِ مِنْ

الْبَلَاءِ أَقَلَّتَهُ

خدایا ! ای سرور من چه بسیار زشتی مرا پوشاندی و چه بسیار بالاهای سنگین و

بزرگی که از من برگرداندی







اللَّهُمَّ عَظْمَ بَلَائِي وَأَفْرَطَ بِي سُوءِ حَالِي وَقَصْرَتُ

بِي أَعْمَالِي وَقَعَدَتُ بِي أَغْلَالِي

خدایا! بلایم بزرگ شده و زشتی عالم از حد گذشته و کردارم خوارم ساخته و

زنجیرهای گناه مرا زمین گیر نموده



وَحَبَسْنِي عَنْ نَفْعِي بَعْدَ أَمَلِي وَخَدَعْتَنِي الدُّنْيَا

بِغُرُورِهَا وَنَفْسِي بِجِنَايَتِهَا وَمِطَالِي يَا سَيِّدِي

و دوری آرزوهایم مرا زندانی ساخته و دنیا با غرورش و نفسم با جنایتش و

امروز و فردا کردم در توبه مرا فریفته



فَأَسْأَلُكَ بِعِزَّتِكَ أَنْ لَا يَحْجُبَ عَنْكَ دُعَائِي سُوءٌ

عَمَلِي وَفِعَالِي

ای سرورم از تو درخواست می‌کنم به عزتت که مانع نشود از اجابت

دعایم به درگاهت، بدی عمل و زشتی کردارم



وَلَا تَفْضَحْنِي بِخَفِيِّ مَا أَطَّلَعْتَ عَلَيْهِ مِنْ سِرِّي وَلَا

تُعَاجِلْنِي بِالْعُقُوبَةِ عَلَى مَا عَمِلْتَهُ فِي خَلَوَاتِي

و صرا با آنچه از اسرار نهانم می‌دانی رسوا مسازنی و در کیفر آنچه در

خلوت‌هایم انجام دادم شتاب نکنی،







وَ كُنِ اللّٰهُمَّ بِعِزَّتِكَ لِي فِي كُلِّ الْاَحْوَالِ رَوْفًا وَ عَلَيَّ

فِي جَمِيعِ الْاُمُورِ عَطُوفًا

خدایا! با من در همه احوال مهر ورز و بر من در هر کارم به دیده لطف

بنگر



إِلَهِي وَرَبِّي مَنْ لِي غَيْرُكَ أَسْأَلُهُ كَشْفَ ضُرِّي

وَالنُّظْرَ فِي أَمْرِي

خدایا، پروردگارا، جز تو که را دارم؟ تا برطرف شدن ناراحتی و

نظر لطف در کارم را از او درخواست کنم.



إِلَهِي وَمَوْلَايَ أَجْرِيَتَ عَلَيَّ حُكْمًا اتَّبَعْتُ فِيهِ هَوِي

نَفْسِي وَ لَمْ أَحْتَرِسْ فِيهِ مِنْ تَزْيِينِ عَدُوِي

خدای من و سرور من، حکمی را بر من جاری ساختی که هوای نفسم را در

آن پیروی کردم و از فریبکاری آرایش دشمنم نهراسیدم



فَعَرْنِي بِمَا أَهْوَى وَاسْعِدَهُ عَلَي ذَلِكِ الْقَضَاءُ فَتَجَاوَزَتْ بِمَا  
جَرَى عَلَيَّ مِنْ ذَلِكِ بَعْضُ حُدُودِكَ وَخَالَفْتُ بَعْضَ أَوْامِرِكَ

پس مرا به خواهش دل فریفت و بر این امر اختیار و اراده‌ام یاریش نمود،

پس بدینسان و بر پایه گذشته‌هایم از حدودت گذشتم، و با برخی از

دستوراتت مخالفت نمودم



فَلَكَ الْحَمْدُ عَلَىٰ فِي جَمِيعِ ذَلِكَ وَ لَا حُجَّةَ لِي فِيمَا

جَرَى عَلَىٰ فِيهِ قَضَاؤُكَ وَ أَلْزَمَنِي حُكْمَكَ وَ بَلَاؤُكَ

پس حمد تنها از آن تو است در همه اینها. و مرا هیچ حقی نیست در آنچه

بر من از سوهی قضایت جاری شده و فرمان و آزمایشت ملزمم نموده



وَقَدْ آتَيْتُكَ يَا إِلَهِي بَعْدَ تَقْصِيرِي وَاسْرَافِي عَلَى نَفْسِي

مُعْتَذِرًا نَادِمًا مُنْكَسِرًا مُسْتَقِيلًا مُسْتَغْفِرًا مُنِيئًا مُقِرًّا مُذْعِنًا

مُعْتَرِفًا

ای خدای من اینک پس از کوتاهی در عبادت و زیاده‌روی در خواهش‌های

نفس عذرخواه، پشیمان، شکسته‌دل، جویای گذشت طالب آمرزش،

بازگشت‌کنان با حالت اقرار و اذعان و اعتراف به گناه



لَا أَجِدُ مَفْرَأً مِمَّا كَانَ مِنِّي وَلَا مَفْرَعًا أَتَوَجَّهُ إِلَيْهِ فِي  
أَمْرِي غَيْرَ قَبُولِكَ عُذْرِي وَإِدْخَالِكَ أَيْدِي فِي سَعَةِ  
رَحْمَتِكَ،

بی آنکه گریزگاهی از آنچه از من سرزده بیابم و نه پناهی که

به آن رو آورم پیدا کنم، جز اینکه پذیرای عذرم باشی، و مرا در رحمت

فراگیریت بکنجایی



اللَّهُمَّ فَأَقْبِلْ عُدْرِي وَأَرْحَمْ شِدَّةَ ضُرِّي وَفُكِّنِي مِنْ

شِدَّةِ وَثَاقِي

خدایا! پس عذرم را بپذیر، و به بدحالی‌ام رحم کن و رهایم ساز از بند

محکم گناه.



یا رَبِّ ارْحَمْ ضَعْفَ بَدَنِي وَرِقَّةَ جِلْدِي وَدِقَّةَ

عَظْمِي

پروردگارا! بر ناتوانی جسمم و نازکی پوستم و نرمی استخوانم رحم

کن



يَا مَنْ بَدَأَ خَلْقِي وَذَكَرِي وَتَرْبِيَّتِي وَبِرِّي وَ

تَغْذِيَّتِي هَبْنِي لِابْتِدَاءِ كَرَمِكَ وَ سَالِفِ بَرِّكَ بِي

اسی کہ آغازگر آفرینش و بیاد و پرورش و نیکی بر من و تغذیه ام بوده‌ای،

اکنون مرا ببخش به همان گرم نخستت، و پیشینه احسانت بر من



يا اِلهي وَ سَيِّدِي وَ رَبِّي اَثْرَاكَ مُعَذِّبِي بِنَارِكَ بَعْدَ  
تَوْحِيدِكَ وَ بَعْدَ مَا اَنْطَوَى عَلَيْهِ قَلْبِي مِنْ مَعْرِفَتِكَ وَ لَهْجِ  
بِهِ لِسَانِي مِنْ ذِكْرِكَ وَ اَعْتَقَدُهُ ضَمِيرِي مِنْ حَبِّكَ

اسی خدای من و سرور و پروردگارم، آیا مرا به آتش دوزخ عذاب نمایی، پس از اقرار  
به یگانگیات و پس از آنکه دلم از نور شناخت تو روشنی گرفت و زبانم در  
پرتو آن به ذکر تو گویا گشت و پس از آنکه درونم از عشقت لبریز شد



وَبَعْدَ صِدْقِ اعْتِرَافِي وَدُعَائِي خَاضِعاً لِرَبِّبِيَّتِكَ؟

و پس از صداقت در اعتراف و درخواست خاضعانه ام در برابر پروردگارت



هَيْهَاتَ أَنْتَ أَكْرَمُ مِنْ أَنْ تُضِيعَ مِنْ رَيْتِهِ أَوْ تُبْعِدَ مِنْ

أَدْنَيْتِهِ أَوْ تُشْرِدَ مِنْ آوَيْتِهِ أَوْ تُسَلِّمَ إِلَى الْبَلَاءِ مِنْ

كَفَيْتِهِ وَرَحِمَتِهِ

باور نمی‌کنم چه آن بسیار بعید است و تو بزرگوارتر از آن هستی که پرورده‌ات را تباه

کنی یا آن را که به خود نزدیک نموده‌ای دور نمایی یا آن را که پناه دادی از خود برانی

یا آن را که خود کفایت نموده‌ای و به او رحم کردی به صوچ بلا و اگذاری!



وَلَيْتَ شِعْرِي يَا سَيِّدِي وَإِلَهِي وَمَوْلَايَ أَتَسَلَّطُ النَّارَ عَلَى  
وَجْهِهِ خَرْتُ لِعَظَمَتِكَ سَاجِدَهُ وَعَلَى أَلْسِنٍ نَطَقْتُ  
بِتَوْحِيدِكَ صَادِقَهُ وَبِشُكْرِكَ مَادِحَهُ

ای گاش می‌دانستم ای سرورم و معبودم و مولایم، آیا آتش را بر صورتهایی که  
برای عظمتت سجده‌کنان بر زمین نهاده شده مسلط می‌کنی و نیز بر زبان‌هایی  
که صادقانه به توحیدت و به سپاست مدح‌کنان گویا شده



وَعَلَى قُلُوبٍ اعْتَرَفْتَ بِالْهَيْبَةِ مُحَقَّقَةً وَعَلَى ضَمَائِرِ حَوَاتٍ  
مِنَ الْعِلْمِ بِكَ حَتَّى صَارَتْ خَاشِعَةً وَعَلَى جَوَارِحِ سَعَتٍ  
إِلَى أَوْطَانٍ تَعْبُدُكَ طَائِعَةً وَأَشَارَتْ بِاسْتِغْفَارِكَ مُذْعِنَةً

و هم بر دل‌هایی که بر پایه تحقیق به خداوندیت اعتراف کرده. و بر نهادهایی که  
مصرفت به تو آنها را فرا گرفته تا آنجا که در پیشگاهت خاضع شده و به اعضایی که  
مشتاقانه به سوی پرستشگاهت شتافته‌اند و اقرارکنان جویای آمرزش تو بوده‌اند











عَلَىٰ أَنْ ذَلِكِ بَلَاءٌ وَ مَكْرُوهٌ قَلِيلٌ مَكْنَهُ يَسِيرٌ بَقَائِهِ

قَصِيرٌ مَدَّتُهُ

با آنکه این نعم و اندوه و ناگوارى درنگش کم بقایش اندک و مدتش کوتاه

است



فَكَيْفَ اِحْتِمَالِي لِبَلَاءِ الْآخِرَةِ وَجَلِيلِ وَقُوعِ

الْمَكَارِهِ فِيهَا

پس چگونه خواهد بود تا بهم در برابر بلاهای آخرت، و فرود آمدن ناگواریهای در آن

جهان بر جسم و جانم



وَهُوَ بَلَاءٌ تَطُولُ مَدَّتُهُ وَ يَدُومُ مَقَامُهُ وَ لَا يُخَفَّفُ عَنْ أَهْلِهِ

لِأَنَّهُ لَا يَكُونُ إِلَّا عَنِ غَضَبِكَ وَ أَنْتِقَامِكَ وَ سَخَطِكَ

و حال آنکه زمانش طولانی و جایگاهش ابدی است و تخفیفی برای اهل آن بلا

نخواهد بود، چرا که مایه آن بلا جز از خشم و انتقام و ناخشنودی تو نیست







يَا إِلَهِي وَرَبِّي وَسَيِّدِي وَمَوْلَايَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ أَشْكُو وَ

لِمَا مِنْهَا أَضِجُ وَأَبْكِي؟ لِأَلِيمِ الْعَذَابِ وَشِدَّةِ أَمِّ لَطُولِ

الْبَلَاءِ وَمدَّتِهِ؟

ای خدای من و پروردگارم و سرور و مولایم، برای کدامیک از دردهایم به حضرتت شکوه

کنم و برای کدامین گرفتاریم به درگاہت بنالم و اشک بریزیم. آیا برای دردناکی

عذاب و سختی‌اش، یا برای طولانی شدن بلا و زمانش



فَلَمَّا صَيَّرْتَنِي لِلْعُقُوبَاتِ مَعَ أَعْدَائِكَ وَجَمَعْتَ بَيْنِي وَبَيْنَ  
أَهْلِ بَلَائِكَ وَفَرَّقْتَ بَيْنِي وَبَيْنَ أَحِبَّائِكَ وَأَوْلِيَائِكَ،

پس اگر مرا در عقوبت و مجازات با دشمنانت قرار دهی، و بین من و اهل عذابت

جمع کنی، و میان من و عاشقان و دوستانت جدایی اندازی



فَهَبْنِي يَا إِلَهِي وَ سَيِّدِي وَ مَوْلَايَ وَ رَبِّي صَبْرَتُ عَلِي

عَذَابِكَ فَكَيْفَ أَصْبِرُ عَلَي فِرَاقِكَ

اسی خدا و آقا و مولا و پروردگارم، بر فرض کہ بر عذابت شکیبائی و رزم، ولی بر

فراقِ ت چگونہ صبر کنم



وَهَبْنِي صَبْرًا عَلَى حَرِّ نَارِكَ فَكَيْفَ أَصْبِرُ عَنِ النَّظَرِ إِلَى

كَرَامَتِكَ أُمَّ كَيْفَ أَسْكُنُ فِي النَّارِ وَرَجَائِي عَفْوِكَ



و گیرم ای خدا ای من بر سوزندگی آتشت صبر کنم، اما چگونه چشم پوشی از

کرمت را تاب آورم یا چگونه در آتش، سکونت گزینم و حال آنکه امید من

گذشت و عفو تو است







وَلَا صُرُخَانَ إِلَيْكَ صُرَاخَ الْمَسْتَضْرِخِينَ وَلَا يَبْكِينَ

عَلَيْكَ بُكَاءَ الْفَاقِدِينَ

و به درگاهت بانگ بردارم، همچون بانگ آنان که خواهان دادرسی هستند و هر

آینه به آستانت گریه کنم چونان که مبتلا به فقدان عزیزش می باشند



وَلَا نَادِيَنَّكَ آيُنَ كُنْتَ يَا وَلِيَّ الْمُؤْمِنِينَ يَا غَايَةَ آمَالِ

الْعَارِفِينَ يَا غِيَاثَ الْمُسْتَغِيثِينَ يَا حَبِيبَ قُلُوبِ

الصَّادِقِينَ يَا إِلَهَ الْعَالَمِينَ

و صدايت مریزتم: کجایی اسی سرپرست مؤمنان، آری کجایی اسی نهایت آرزوی

عارفان، اسی فریادرس خواهندگان فریادرس، اسی محبوب دلہای راستان و اسی مصیود

بہانیان



«أَفْتَرَاكَ سُبْحَانَكَ يَا إِلَهِي وَبِحَمْدِكَ تَسْمَعُ فِيهَا صَوْتُ  
عَبْدٍ مُسْلِمٍ سَجِنَ فِيهَا بِمُخَالَفَتِهِ وَذَاقَ طَعْمَ عَذَابِهَا  
بِمَعْصِيَتِهِ وَحَبَسَ بَيْنَ أَطْبَاقِهَا بِجُرْمِهِ وَجَرِيرَتِهِ

آیا این چنین است، ای خدای منزّه، و ستوده که در دوزخ بشنوی صدای بنده  
مسلمانی که برای مخالفتش با دستورات تو زندانی شده و مزه عذابش را به خاطر  
نافرمانی چشیده و میان درکات دوزخ به علت جرم و جنایتش محبوس شده



وَهُوَ يَضِجُ إِلَيْكَ ضَجِيجَ مُؤْمِلٍ لِرَحْمَتِكَ وَيُنَادِيكَ بِلِسَانٍ

أَهْلٍ تُوْحِيدِكَ وَيَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ بِرَبِّهِ

و حال آنکه در درگاهت سخت ناله می‌زند، همچون ناله آن‌که آرزو مند رحمت  
توست، و با زبان اهل توحیدت تو را می‌خواند، و به ربوبیتت به پیشگاهت توسل

می‌جوید







يا مَوْلَايَ فَكَيْفَ يَبْقَى فِي الْعَذَابِ وَ  
هُوَ يَرْجُوا مَا سَلَفَ مِنْ حِلْمِكَ

ای مولای من، چگونه در عذاب بماند و حال آنکه امید به بردباری  
گذشته‌ات دارد



أَمْ كَيْفَ يَحْرِقُهُ لَهَيْبَتُهَا وَ أَنْتَ تَسْمَعُ صَوْتَهُ وَ تَرَى مَكَانَهُ

یا چگونه شعله آتش او را بسوزاند در حالی که فریادش را می شنوی و جایش را

می بینی



أَمْ كَيْفَ يَشْتَمِلُ عَلَيْهِ زَفِيرُهَا وَأَنْتَ تَعْلَمُ ضَعْفَهُ

یا چگونه آتش او را دربر بگیرد و حال آنکه از ناتوانی اش خبر داری



أَمْ كَيْفَ يَتَّقُلُ بَيْنَ أَطْبَاقِهَا وَأَنْتَ تَعْلَمُ صِدْقَهُ

یا چگونه در طبقات دوزخ به این سو و آن سو کشانده شود در حالی که

راستگویی اش را می دانی



أَمْ كَيْفَ تَرْجُرُهُ زَبَانِيَّتُهَا وَهُوَ يُنَادِيكَ يَا رَبِّهٗ

یا چگونه فرشته‌های عذاب او را با خشم برانند و حال آنکه تو را به پروردگاریت

می‌خوانند







هَيَّاتَ مَا ذَكَ الظَّنُّ بِكَ وَ لَا الْمَعْرُوفُ مِنْ فَضْلِكَ وَ لَا

مُشَبَّهُ لِمَا عَامَلْتَ بِهِ الْمَوْحِدِينَ مِنْ بَرِّكَ وَ إِحْسَانِكَ

همه این امور از بنده نوازی تو بس دور است، هرگز گمان ما به تو این نیست و نه

از فضل تو چنین گویند و نه به آنچه که از خوبی و احسانت با اهل توحید رفتار

کرده‌ای شباهتی دارد



فَبِالْيَقِينِ أَقْطَعُ لَوْ لَا مَا حَكَمْتَ بِهِ مِنْ تَعْذِيبِ جاحِدِيكَ وَ  
قَضَيْتَ بِهِ مِنْ إِخْلَادِ مُعَانِدِيكَ لَجَعَلْتَ النَّارَ كُلَّهَا بَرْدًا وَ  
سَلَامًا وَ مَا كَانَ لِأَحَدٍ فِيهَا مَقْرَأً وَ لَا مَقَامًا

پس به یقین می‌دانم که اگر فرمانت در به عذاب کشیدن منکران نبود و  
حکمت به همیشگی بودن دشمنانت در آتش صادر نمی‌شد، هر آینه سرتاسر  
دوزخ را سرد و سلامت می‌کردی و برای احدی در آنجا قرار و جایگاهی نبود



لَكِنَّكَ تَقْدُسُ اسْمَاؤُكَ اَفْسَمْتَ اَنْ تَمْلأَهَا مِنْ الْكَافِرِينَ

مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ اَجْمَعِينَ وَ اَنْ تُخَلِّدَ فِيهَا الْمُعَانِدِينَ

اما تو که مقدس است نامهایت سوگند یاد کردی که دوزخ را از همه

کافران چه پری و چه آدمی پر سازی و ستیزهجویان را در آنجا همیشگی و

جاودانه بداری







إِلَهِي وَ سَيِّدِي فَأَسْأَلُكَ بِالْقُدْرَةِ الَّتِي قَدَرْتَهَا وَ بِالْقَضِيَّةِ

الَّتِي حَتَمْتَهَا وَ حَكَمْتَهَا وَ غَلَبْتَ مِنْ عَلَيْهِ أَجْرِيَّتَهَا

ای خدا و سرور من، از تو خواستارم به قدرتی که مقدر نمودی و به فرمانی که  
حتمیتش دادی و بر همه استوارش نمودی و بر کسی که بر او اجرایش کردی

چپره ساختنی







وَكُلِّ سَيِّئَةٍ أَمَرْتُ بِإِثْبَاتِهَا الْكِرَامَ الْكَاتِبِينَ الَّذِينَ وَكَّلْتَهُمْ

بِحِفْظِ مَا يَكُونُ مِنِّي وَجَعَلْتَهُمْ شُهُودًا عَلَيَّ مَعَ جَوَارِحِي

آنان که بر ضبط آنچه از من سرزند گماشتی و آنان را نیز گواهانی بر من قرار

دادی علاوه بر اعضایم و خود فراتر از آنها مراقب من بودی



وَ كُنْتَ أَنْتَ الرَّقِيبَ عَلَيَّ مِنْ وَرَائِهِمْ وَالشَّاهِدَ لِمَا خَفِيَ

عَنْهُمْ وَ بِرَحْمَتِكَ أَخْفَيْتَهُ وَ بِفَضْلِكَ سَتَرْتَهُ

و شاهد بر آنچه که از آنان پنهان ماند و به یقین با رحمتت پنهان ساختی و با

فضلت پوشاندی



وَأَنْ تُوفِّرَ حَظِّي مِنْ كُلِّ خَيْرٍ أَنْزَلْتَهُ أَوْ إِحْسَانٍ فَضَّلْتَهُ أَوْ

بِرِّ نَشَرْتَهُ أَوْ رِزْقٍ بَسَطْتَهُ أَوْ ذَنْبٍ تَغْفِرُهُ أَوْ خَطَاةٍ تَسْتُرُهُ

و اینکه از تو می‌خواهم از هر چیزی که نازل کردی یا احسانی که تفضل

نمودی یا بر و نیکی که گستردی یا رزقی که پراکندی یا گناهی که

بیامرزی یا خطایی که بپوشانی،



یا رَبِّ یا رَبِّ یا رَبِّ یا الهی و سیدی و مولای و مالک رفی

یا من پیده ناصیتی یا علیما بصری و مسکنتی یا خیرا بفقری و فاقتی

پروردگارا، پروردگارا، پروردگارا! ای خدا من ای سرور من، ای مولای من

و اختیار دارم، ای کسی که مهارم به دست اوست، ای آگاه از پریشانی و

ناتوانی ام ای دانای تهیدستی و نادار من



یا رَبِّ یا رَبِّ یا رَبِّ اسْئَلْ بِحَقِّكَ وَ قُدْسِكَ وَ اعْظِمِ صِفَاتِكَ

وَ اسْمَائِكَ اَنْ تَجْعَلَ اَوْقَاتِي مِنَ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ بِذِكْرِكَ مَعْمُورَةً وَ  
بِخِدْمَتِكَ مَوْصُولَةً وَ اَعْمَالِي عِنْدَكَ مَقْبُولَةً

پروردگارا! پروردگارا! پروردگارا! از تو درخواست می‌کنم به حَقَّت و قدست و

بزرگ‌ترین صفات و نام‌هایت که همه اوقاتم را از شب و روز به یادت آباد کنی و به

خدمت‌گزاریت پیوسته بدارم. و اعمالم را در پیشگاهت قبول فرمایی



حَتَّى تَكُونَ أَعْمَالِي وَأَوْرَادِي كُلُّهَا وَرِدًا وَاحِدًا وَحَالِي

فِي خِدْمَتِكَ سَرْمَدًا

تا آنکه اعمال و اورادم هماهنگ، همسو و همواره باشد و حالم در خدمت تو

پاینده گردد



یا سیدی یا من علیه معولی یا من ایه شکوت احوالی

وَمَا أَرْسَلْنَا إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ  
وَمَا تَوْرَا جز رحمتی برای جهانیان نفرستادیم.  
آیه ۱۰۲ سوره البقره

ای سرور من، ای آن که بر او تکیه داریم، ای آن که شکوه عالم را تنها به سوی

او برم



يَا رَبِّ يَا رَبِّ يَا رَبِّ قُوِّ عَلَى خِدْمَتِكَ جَوَارِحِي

وَأَشَدُّ عَلَى الْعَزِيمَةِ جَوَانِحِي وَهَبْ لِي الْجِدْفِي

خَشِيَّتِكَ وَالِدَوَامَ فِي الْإِتِّصَالِ بِخِدْمَتِكَ

اِس پروردگارم، اِس پروردگارم، اِس پروردگارم اعضايم را در راه خدمتت

نيرو بخش و دلم را بر عزم و همت محکم کن، و کوشش در راستای پروايت و

دوام در پیوستن به خدمتت را به من ارزانی دار



حَتَّىٰ أَسْرَحَ إِلَيْكَ فِي مَيَادِينِ السَّابِقِينَ وَأَسْرِعَ إِلَيْكَ فِي الْبَارِزِينَ وَ

أَشْتاقَ إِلَيَّ قُرْبِكَ فِي الْمُشْتاقِينَ وَأَدْنُو مِنْكَ دُنُو الْمُخْلِصِينَ وَ

أَخافُكَ مَخَافَةَ الْمُوقِنِينَ وَاجْتَمَعَ فِي جِوَارِكَ مَعَ الْمُؤْمِنِينَ

تا به سویت برانم در میدانهای پیشتازان و به سویت بشتابم در میان شتابندگان و به کوهی

قربت آیم در میان مشتاقان و همانند مخالفان به تو نزدیک شوم و چون یقین آورندگان از جاه

تو بهراسم و با اهل ایمان در جوارت گرد



اللَّهُمَّ وَ مِنْ أَرَادَنِي بِسُوءٍ فَأَرِدْهُ وَ مِنْ كَادَنِي فَكِدْهُ

خداایا! هرکس مرا به بدی قصد کند تو قصدش کن، و هرکس با من مکر

ورزد تو با او مکر کن



وَأَجْعَلْنِي مِنْ أَحْسَنِ عِبِيدِكَ نَصِيباً عِنْدَكَ وَ أَقْرَبِهِمْ مَنْزِلَةً  
مِنْكَ وَ أَحْصِهِمْ زُلْفَةً لَدَيْكَ فَإِنَّهُ لَا يُنَالُ ذَلِكَ إِلَّا بِفَضْلِكَ

حَسْبُكَ اللَّهُ

السلام عليك يا

و مرا از بهره‌مندترین بندگانت نزد خود، و نزدیک‌ترینشان در منزلت به تو و مخصوص

ترینشان در رتبه به پیشگاهت بگردان، زیرا این همه به دست نیاید جز به فضل تو



وَجُدِّي بِجُودِكَ وَأَعْطِفْ عَلَيَّ بِمَجْدِكَ وَأَحْفَظْنِي

بِرَحْمَتِكَ وَأَجْعَلْ لِسَانِي بِذِكْرِكَ لَهْجًا وَقَلْبِي بِحَبِّكَ

مَتِيماً

خدایا! با جودت به من جود کن و با بزرگواریت به من نظر کن و با رحمتت مرا  
نگاهدار و زبانم را به ذکر تو گویا کن، و دلم را به محبتت شیفته و شیدا فرما



# لتر سده

از دروغ بپرهیزید.  
چه کوچک باشد چه بزرگ.  
چه جسی باشد و چه شوخی.  
چرا که انسان اگر دروغ کوچک بگوید  
بر دروغ بزرگ قدم جرأت پیدا میکند.  
۳۳۰/۲

وَمِنْ عَلَيَّ بِحَسَنِ اجَابَتِكَ وَاقْلِنِي عَثْرَتِي وَاعْفِرْ زَلَّتِي

و بر من منت گذار با پاسخ نیکویت و لفرشم را نادیده انگار و گناهم را

بیخش



فَأَنْتَ قَضَيْتَ عَلَىٰ عِبَادِكَ بِعِبَادَتِكَ وَأَمْرَتَهُمْ بِدُعَائِكَ وَضَمِنْتَ

لَهُمُ الْإِجَابَةَ

السَّمَاءِ عَلَيْكَ

بِأَمْرِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

امام باقر علیه السلام: هر که خوش نیت است روزیش فروست. (بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۱۷۵)

زیرا تو بندگانت را به بندگی فرمان دادی و به دعا و درخواست از خود امر

کردی و اجابت دعا را برای آنان ضامن شدی



فَاٰتِيْكَ يَا رَبِّ نَصِيْبَتُ وَجْهِىْ وَاٰتِيْكَ يَا رَبِّ مَدَدَتُ يَدِيْ

وَسَلَامٌ

اَيُّهَا حَسْبُ فَرِيْنِ مُحَمَّدٍ صَدُو

پس اى پروردگار من تنها روى به سوى تو داشتم و دستم را تنها به جانب تو

دراز كردم



فَبِعِزَّتِكَ اسْتَجِبْ لِي دُعَائِي وَبَلِّغْنِي مُنَايَ وَلَا تَقْطَعْ مِنِّي

فَضْلِكَ رَجَائِي وَأَكْفِنِي شَرَّ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ مِنْ أَعْدَائِي

پس تو را به عزتت سوگند می‌دهم که دعایم را اجابت کنی و مرا به آرزویم  
برسانی، و امیدم را از فضیلت ناامید نکنی، و شر دشمنانم را از پری و آدمی از

من کفایت کنی



# یا سَرِیعَ الرِّضَا

ای خدایی که زود از بندهات فشنود می‌شوی



اِغْفِرْ لِمَنْ لَا يَمْلِكُ اِلَّا الدُّعَاءُ فَانِّكَ فَعَالٌ لِمَا تَشَاءُ

پیامبرز آن را که جز دعا چیزی ندارد، همانا تو هرچه بخواهی انجام میدهی



يا مَنْ اسْمُهُ دَوَاءٌ وَ ذِكْرُهُ شِفَاءٌ وَ طَاعَتُهُ غِنَى إِرْحَمَ مَنْ

رَأْسِ مَالِهِ الرَّجَاءُ وَ سِلَاحُهُ الْبُكَاءُ

این آن که نامش دوا و یادش شفا و طاعتش توانگرش است، رحم کن به

کسی که سرمایه اش امید و سازوبرکش اشکریزان است



يا سابع النعم يا دافع النقم يا نور المستوحشين في الظلم

يا عالما لا يعلم

اسی فروریزنده نعمتها اسی دورکننده بلاها، اسی روشنی بخش وحشت زدگان در

تاریکیها، اسی دانای ناآموخته





صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَفْعَلُ بِى مَا أَنْتَ أَهْلُهُ وَ

صَلَّى اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ وَالْأئِمَّةِ الْمَيَامِينِ مِنْ آلِهِ وَسَلَّمَ

تَسْلِيمًا كَثِيرًا

بر محمد و خاندان محمد درود فرست، و با من چنان کن تو را شاید، و درود و سلام

فراوان خدا بر پیامبرش و بر امامان خجسته از خاندانش



جمہورتھی تو ہمیشہ سزا بوندن

